

ضرورت پی‌ریزی

دایرة المعارف فرهنگ و زبان فارسی در شبه قاره هند*

محمدحسین مشایخ فریدنی

۱. زبان فارسی در هند

از اوایل قرن پنجم هجری که اسلام به کوشش ایرانیان در هند شمالی و غربی شروع به پیشرفت کرد، زبان فارسی هم، به عنوان زبان اسلامی و شعار مسلمانی مورد استقبال نو مسلمانان قرار گرفت و رفته رفته زبان مشترك مسلمانان هند و بعد سراسر آسیا گردید. مسلمانان هند با تمام قوا کوشیدند همه پیوستگیهای خود را با مذاهب و سنن آریایی (هندویسم) بگسلند و به جامعه اسلامی ایرانی پیوندند و آداب مسلمانی را از ایرانیان سر مشق بگیرند. از این رو خط و زبان فارسی را برگزیدند و به علوم و معارف و هنرهای ایرانی روی آوردند و دیری نگذشت که امت اسلامی در هند بر همین اساس استقلال و هویت پیدا کرد. این امت علی رغم حوادث و مصایبی که در تاریخ هزار ساله خود با آن دست به گریبان بوده پیوسته راه توسعه و ترقی پیموده است. ملت‌های مسلمان پاکستان و بنگلادش و جوامع اسلامی هند و سریلانکا و جزایر هند و کشمیر و نپال و امارات هیمالیایی که تعدادشان در حدود چهارصد میلیون است به برکت همان تمدن و فرهنگ موجودیت

خود را حفظ کرده و روز افزون بوده اند. در صورتی که سایر ادیان غیر بومی به چنین توفیقی دست نیافته اند. فی المثل تعداد پیروان مسیح علی رغم سابقه ممتد مسیحیت در هند - از عهد حواریین - و کوششهای سیستماتیک، و برخورداری از مهارت کافی و کمکهای غرب، مخصوصاً در پنج قرن اخیر، هنوز به بیست و پنج میلیون نمی‌رسد.

۲. مهاجرت ایرانیان

حکمرانان مسلمان که غالباً از ماوراء جبال هند و کش به هند می‌آمدند و همه فارسی زبان بودند، خود را در شبه قاره غریب می‌دیدند و تنها به دولتمردان و سرداران و جنگاوران ایرانی تکیه داشتند و به بومیان، گرچه مسلمان شده بودند، اعتماد نمی‌کردند. از این رو مغزها و

* این مقاله در حقیقت طرح دایرةالمعارفی است که روانشاد دکتر مشایخ فریدنی در تاریخ پنجم تیرماه ۱۳۶۹ توسط جناب آقای دکتر مهدی محقق به بنیاد دایرةالمعارف اسلامی تهران ارائه داده بودند.

استعدادهای ایرانی به هند جذب شدند و مردان کار آمد و بازرگانان و پزشکان و فقیهان و قاضیان و حکیمان و صوفیان و منجمان و شاعران و موسیقی دانان و خوش نویسان و نقاشان و معماران ... و سایر اهل دانش و حرفت و صنعت به آن خطه روی آوردند و غالباً به شهرت و ثروت رسیدند. کلتیهای مسلمان فارسی گو در سراسر هند تشکیل شد و نظامیه ها و مساجد و خوانق و شفاخانه ها و رصد خانه ها و کاروانسراها و ابنیه و قصور به سبک ایران به دست ایرانیان احداث گردید و حکومتهای اسلامی که تأسیس می شد، به کلی صبغه ایرانی داشت.

از قرن هفتم هجری، دهلی به صورت قبه الاسلام و پایتخت هند در آمد و بزرگترین قطب فرهنگ ایران و مرکز اسلام در آسیا گردید. از سویی سلاطین هند غالباً ادیب و ادب دوست و مشوق شعرا و علمای مسلمان بودند و از سوی دیگر هجومهای بنیان کن و پیاپی تاتارها به ماوراء النهر و خراسان و عراق و آذربایجان و فارس، اهل علم و هنر را از بلاد ایران به سوی دهلی و ملتان و لاهور و آکره و بنگال و دکن می کشاند.

۳. عصر شکوفایی

در دکن (جنوب هند) شاهان شیعی مذهب ادب دوست مثل بهمنیان و عادل شاهیان و قطب شاهیان و دروازه های کشور خود را به روی ایرانیان گشودند و کوشیدند در بارهای بیجاپور و کلکنده و بیدر را محط رجال علما و شعرا و نسخه ای از دربارهای ایران سازند. مشایخ تصوف از چشتیه و سهروردیه و قادریه و نقشبندیه در هر گوشه و کنار هند خانقاه و لنگر تاسیس کردند و به زبان فارسی به ارشاد خلق همت گماشتند. تألیف کتب در اصناف علوم و معارف به فارسی رواج یافت و امهات کتب و روایات دینی و اساطیری سنسکریت، مثل اجزای ودا و تعالیم بودا، حماسه مهابهارت و افسانه راماین و کتابهای ریاضی و

طبیعی و نجوم و طلسمات و نیز نجات و منترهای هندی و صدها کتاب دیگر به تشویق حکمرانان مسلمان به فارسی برگردانده شد. تدریس دواوین امیر خسرو دهلوی و دو معاصرش سعدی و رومی و نیز شاهنامه و خمسه نظامی و کلیات انوری و ناصر خسرو و سنایی و معزی و بعد غزلیات حافظ و کلیات جامی در مدارس باب شد و بعض شاهان ادب پرور ملتان و بنگال و دکن سعدی و حافظ را به دربار خود دعوت کردند و از آنان التماس دیوان نمودند و برای ایشان صلوات و هدایا فرستادند. موسیقی هندی تحت تأثیر موسیقی ایرانی واقع شد و سبک معماری ایران در اقطار اسلامی هند مورد تقلید قرار گرفت.

۴. اوج کمال

در عهد سلطنت افغانه لودی و بعد گورکانیان در هند، یعنی از اواخر قرن نهم هجری، دهلی و آکره و فتح پورسیکری و لاهور و سایر بلاد اسلامی شبه قاره جنبه هندویی خود را به کلی از دست داد و کاملاً صبغه فارسی گرفت. زبان فارسی زبان رسمی دربارها و زبان علمی و ادبی شد و عنصر ایرانی بر عنصر هندی در همه شوون تقدم یافت. زبانهای محلی مثل اردو و بنگالی و سندی و هند و کو از ترکیب فارسی با لهجات محلی به وجود آمد که فقط در محاوره عوام به کار می رفت نه در مراسلات و تألیفات و خطابات رسمی. حتی سلاطین هندو نیز مشوق زبان و ادب فارسی شدند و در همان اوقات که در دربار صفوی به ترکی تکلم می شد، در دربار دهلی و سایر دربارهای هند جز فارسی زبان دیگری شکوه و اعتبار نداشت.

مدارس قدیمه اسلامی و کتابخانه های آنها در شهرهای بزرگ و کوچک هند که تا امروز دایر و باقی است و گنجینه های نسخ خطی فارسی می باشد و هیچ مسلمان درس خوانده ای پیدا نمی شود که فارسی کلاسیک را نفهمد و به اشعار فارسی سعدی و حافظ و مولانا، و

خسرو و جامی و غالب ... استشهاد نکند. سخن سعدی هنوز در هند حجت قاطع است و در خانه هر مسلمان اهل علم دیوان حافظ در کنار مصحف شریف، شعار مسلمانی به شمار می رود.

۵. سرایشی سقوط

بعد از وفات شاه عباس بزرگ صفوی (۱۰۳۸ق) و جلوس اورنگ زیب گورگانی بر تخت سلطنت هند (۱۰۶۸ق) مناسبات ایران و هند رو به تیسرگی رفت. از سوی جانشینان شاه عباس فاقد عزم و تدبیر او بودند و از سوی دیگر شاهان دهلی با تشیع و ایران مناسبات دوستانه ای نداشتند. از این رو روابط فرهنگی و بازرگانی بین دو کشور - مانند روابط سیاسی - ضعیف گردید و در سرایشی توقف و سقوط افتاد. زبانهای محلی مخلوط در برابر فارسی قد علم کرد. استعمار که با تمام قوا در قطع رابطه هند با همسایگان بخصوص ایران، می کوشید با احداث مدارس جدید و چاپخانه ها در دهلی و کلکته و بمبئی و سایر شهرهای بزرگ و به وسیله مبلغان مسیحی، به نشر کتاب و جراید به اردو و انگلیسی و بخصوص ترویج اردو پرداخت. اگر چه در ابتدا مسلمان مقاومت می کردند، اما سر انجام به حکم ضرورت تن به قضا دادند و اردو نویسی و تکلم به اردو جای فارسی را گرفت. بی توجهی و ضعف دولتهای وقت ایران نیز مزید بر علت بود. از این رو دو ملت همسایه هند و ایران از هم جدا شدند و زبان و ادب فارسی در هند مغلوب انگلیسی و اردو و سایر زبانهای محلی گشت. مع ذلک در محافل اسلامی، به خصوص شیعیان فارسی در پی به عنوان زبان دین و عرفان و علوم شرعی و ادبی مقام خود را تا مدتی همچنان حفظ می کرد. فی المثل در نیمه اول قرن سیزدهم هجری شاه عبدالعزیز دهلوی فاروقی، کتاب مشهور خود را در رد شیعه به نام التحفة الاثنا عشریة و تفسیر و ترجمه قرآن و سایر امهات

کتب خود را به فارسی نوشت و در برابر او سید حامد حسین کتوری نیشابوری در همان قرن مجلدات گرانقدر و حجیم عبقات الانوار را در اثبات مذهب امامیه و رد بر تحفه اثنا عشریة به فارسی تألیف نمود. صندها تفسیر و ترجمه قرآن و کتب ادبی و عرفانی و تاریخی و دینی و لغوی و دستوری در همین قرن تألیف شد و سر ویلیام جوتز، شرق شناس و قاضی بنام انگلیسی در کلکته، با تألیف دستور زبان فارسی و تأسیس انجمن همایونی بنگال، زبان و کتب ارزشمند فارسی را از زوال مصون داشت.

۶. وضع امروزی

بعد از ناکام ماندن آخرین قیام رهایی جویی اهل هند (۱۸۵۷م) که منتهی به پیروزی نهایی ارتش انگلیس و صدور فرمان ملکه ویکتوریا دایر بر انضمام هند به مستملکات انگلیس و آزادی مذهب و زبان در آن خطه گردید (۱۸۵۹م) زبان انگلیسی زبان رسمی دولتی و زبان تعلیم و تربیت و زبان ادارات و محاکم قانونی و لفظ قلم و زبان بین المللی هند گردید. از آن پس دانشجویان به فرا گرفتن انگلیسی روی آوردند و دانشگاه اسلامی علیگره و سایر دانشگاههای هند و مسلمان مروج فرهنگ انگلیسی شدند. عامه مردم به زبانهای محلی سخن می گفتند، اما به جای زبان فارسی که زبان دانش و دولت بود، انگلیسی باب گردید.

مع ذلک در تمام دوران دو بیست ساله استعمار، در تمام مدارس متوسطه و عالی سراسر هند، تحصیل زبان فارسی برای مسلمان و هندوان و سایر فرق اجباری بود و روزنامه های فارسی در کلکته و دهلی و بمبئی و لاهور و سایر بلاد عمده هند با تیراژ وسیع انتشار می یافت. مجالس مشاعره فارسی دایر می شد و در مجالس عزاداری و تعزیه مرثی و نوحه ها به فارسی اجرا می شد و سرودن

شعر فارسی از عصر غالب دهلوی تا اقبال لاهوری ادامه داشت. همه بناهای رفیع و بقاع متبرک و مساجد و خوانق و امام باره ها، با کتیبه های فارسی مزین بود و برای وعظ و ارشاد و نوشتن قباله نکاح و سایر تمسکات شرعی و لوحه قبور و ماده تاریخ... و به طور کلی در هر نوع تشریفات مذهبی از فارسی استفاده می کردند.

لیکن از چهل و دو سال پیش (۱۹۴۸م) که هند و پاکستان و بعد بنگلادش (۱۹۷۳م) به استقلال رسیدند، احساسات ناسیونالیستی و میهنی و نژادی شدت گرفت و هر سه کشور کمر به فارسی زدایی بستند. ابتدا فارسی را در همه مدارس متوسط از برنامه حذف کردند و در دانشگاه آن را به صورت اختیاری - بین عربی و فارسی - درآوردند. چند سال بعد آن را به کلی از برنامه های دانشگاهی حذف کردند و فارسی را در ردیف زبانهای مرده روم و یونان قدیم قرار دادند. لیکن با اینکه این کشورهای تازه به استقلال رسیده در قوانین اساسی خود زبانهای هندی و اردو و بنگالی را زبان رسمی و ملی اعلان کردند و فرهنگستانها و انستیتوهای بیشمار برای حمایت و ترویج آنها تأسیس نمودند، مع ذلک هنوز همه مکاتبات رسمی و اسناد قانونی در سراسر هند به انگلیسی است و امیدی هم برای مقاومت هیچ زبانی در برابر آن نمی رود.

عجب اینکه برخورد بعض پاکستانیها با فارسی - پنهانی نه آشکارا - شدیدتر از رفتار هندوان است. تعصب مولویان سنی مذهب و خصومت باطنی کهن آنان با تشیع و همه مظاهر آن از یک سو و فعالیت سیستماتیک و پی گیر دولتهای عربی و جامعه عرب، بخصوص سعودی ها از سوی دیگر، موجب شده که شعبه های فارسی دوره های فوق لیسانس ادبیات نیز بر اثر بی توجهی و حذف بودجه، یکی بعد از دیگری تعطیل شود و جای خود را به رشته عربی دهد - که از سوی عربها و جامعه دول عرب،

بخصوص سعودیها و از سوی اوقاف پاکستان کمکهای فراوان به آن می شود. اکنون معلمان معدود فارسی و فارغ التحصیلان رشته زبان و ادبیات فارسی نگران و از آینده خود مأیوس اند و امید مساعدت جز از ایران از هیچ جانب دیگر ندارند. خلاصه آنکه استقلال در هند بلایی بر سر زبان و ادب فارسی آورده که استعمار دوست ساله انگلیس نیاورده بود.

۷. کوشش بی سرانجام

دولت ایران بعد از استقلال هند و پاکستان به لزوم حفظ و احیای موارث فرهنگ و زبان فارسی متوجه شد و به ابتکار استاد مرحوم علی اصغر حکمت، وزیر وقت امور خارجه آقای محمد محیط طباطبایی و نویسنده این سطور را به سمت رایزن فرهنگی به دهلی و کراچی اعزام نمود. به عراق و افغانستان نیز مرحومان اقبال آشتیانی و دکتر مقتدری را با همین سمت مأمور کرد. چون این رایزنان، چنانکه در تصویب نامه هیات وزیران اعلام گردیده، مقامهای شناخته شده ای در فرهنگ زبان فارسی بودند و برنامه کار درست تنظیم شده بود و از آنان چیزی جز نشر دانش پارسی و تحکیم مناسبات فرهنگی نمی خواستند، در سالهای اول به خدمات ارزنده ای موفق شدند. مثلاً نویسنده این سطور در طی هفت سال که در پاکستان و هند نماینده فرهنگی ایران بود، قرار دادهای فرهنگی بین ایران با دولتین هند و پاکستان منعقد نمود و مرکز تحقیقات فرهنگی و فرهنگستان فارسی تأسیس کرد و به عنوان استاد مهمان در همه دانشگاههای هند و پاکستان تدریس کرد و کرسی فارسی دانشگاه کراچی را تأسیس و در تمام مدت اقامت در پاکستان آن را اداره کرد، خانه های فرهنگی مجهز به کلاسهای درس و کتابخانه و فیلم در کراچی و لاهور و ملتان و پیشاور و حیدرآباد سند و داکا و اسلام آباد و دهلی و بمبئی و کلکته افتتاح کرد که هنوز هم دایر

دایرة المعارف زبان و فرهنگ فارسی در شبه قاره هند، هر دو اقدامی اساسی و کلیدی و عملی و باب طبع و مورد استقبال مسلمانان و اهالی ایران و شبه قاره خواهد بود. این هر دو اقدام مهم نشان می دهد که ایران اسلامی تا چه حد علاقه مند به حفظ او اصرار صداقت با مسلمانان شبه قاره است و به ارزش فرهنگ و زبان فارسی، در بهبود مناسبات سیاسی و اقتصادی تا چه اندازه آگاه است و از اهمیت آن وقوف کامل دارد.

۹. محتویات این دایرة المعارف

شاید آن قدر مطلب که در هند راجع به تاریخ و فرهنگ اسلامی به فارسی نوشته شده است، در ایران و هیچ کشور دیگر نوشته نشده باشد. اما این مطالب که همه دلیل بر اصالت و شاهد خدمات خستگی ناپذیر مسلمانان ایران در نشر تمدن و معرفت است، در هیچ کتابی جمع نشده و در مطاوی هزاران کتاب و کتیبه پراکنده است. از این رو ضرورت دارد که موسوعه هایی در این باره تألیف شود تا هر چند به اشاره و اختصار شتات آثار ادبی فارسی را در هند جمع آوری نماید. به نظر قاصر، امهات اموری که در این موسوعه تألیف خواهد شد، به شرح ذیل است:

الف. از سال ۴۴ق که مهلب بن ابی صفره ازدی، با جنگجویان عرب از راه خراسان و تنگه خیبر به هند تاخت و بعد از آن در سال ۹۳ق که محمد بن قاسم ثقفی با ارتش مخلوط عرب و ایرانی سند را تسخیر کرد، و سپس در عهد غزنویان و غوریان و ممالیک و افغانان و گورکانیان ... که هند را تصرف کردند، هزاران حکمران و سردار و دولتمرد و عالم و هنرمند و شاعر و صنعتگر ایرانی به هند سفر کردند و هر یک آثاری از خود باقی گذاشتند. جمع آوری تراجم احوال این رجال و آثار و مؤلفات آنان برای تاریخ سیاسی و فرهنگی و اقتصادی ایران حایز کمال اهمیت و از وظایف اصلی این دایرة المعارف می باشد.

است. اقدامات مهم دیگری هم بر آن دوره صورت گرفت که اهم آنها سفر هیأت های فرهنگی و مبادله استادان و دانشجویان فارسی و اعطای بورس تحصیلی و جلب موافقت دولت پاکستان برای افتتاح دبستان و دبیرستان فارسی در شهرهای بزرگ و اعطای اعانه به دانشگاهها برای طبع نسخ خطی فارسی و نشر مجله فارسی هلال در پاکستان و دعوت از نماینده مرجع تقلید برای امامت و ارشاد شیعیان بود که آثار این اقدامات در روابط دوستانه ایران و پاکستان باقی مانده و خواهد ماند.

اما دیری نگذشت که رایزنی فرهنگی به صورت یک شغل اداری در آمد و از مسیر وظایف اصلی خود خارج شد و بعضی کسانی را به این سمت فرستادند که مقاصد سیاسی دولت را از مقاصد فرهنگی بهتر اجرا می کردند و عهده دار مأموریت های مطبوعاتی و اطلاعاتی بودند: نتیجه این شد که توفیقی در جمع شتات معلمان و دانشجویان فارسی و تقویت این رشته در شبه قاره به دست نیاوردند، حتی از عهده نگین ادبی نیمه نهای که نهاده شده بود بر نیامدند، حملوا اکابر الاعمال علی اصاغر العمال فال الامرالی مآل.

۸. اکنون چه باید کرد؟

طی تقریر مشروحه که در جلسه مورخ ۱۳۶۵/۳/۲۳ در سمینار مسائل زبان فارسی در شبه قاره هند - که به سعی مشکور جناب دکتر پورجوادی - حفظه الله - تأسیس شده بود، به سمع دانشمندان ایرانی و خارجی رسانید و متن آن در مجله نشر دانش انتشار یافت حاصل تجارب ممتد خود را درباره طرق و وسایل نشر و احیای فارسی در شبه قاره در آن تقریر معروض داشت، که نیازی به تکرار نمی بیند. اما دو امری که جنابعالی برای نجات مورث فرهنگ ایران در شبه قاره پیشنهاد فرموده اید، یعنی اختصاص مقالاتی در دایرة المعارف اسلام به فرهنگ اسلام در هند و تألیف

ب. در دوران حکمرانی هزارساله مسلمانان بر هند، کشورهای اسلامی چندی در اقطار آن خطه تأسیس و شهرها و قصبات بسیار احداث گردیده و چه بسا نامهای هندی که به اسامی اسلامی مبدل گشته و چه بسا مسجد و مدرسه که به جای بتکده های هندوی و با مصالح آنها به سبک ایران احداث شده است. جمع آوری اخبار و نامهای آنها وظیفه این دایرة المعارف است.

ج. از هزار سال پیش که ابوریحان بیرونی همراه با لشکریان غزنوی به هند رفت و کتابهای مهم خود را مانند ماللهند من مقولة و الآثار الباقية تصنیف نمود تا زمان حاضر آن قدر کتابهای مهم در اصناف علوم و معارف و عرفان و فلسفه و موسیقی و تاریخ و فقه و اصول و تفسیر ... به وسیله ایرانیان و ایرانی تباران در هند تألیف شده که از حد احصاء بیرون است. معرفی و طبقه بندی و ارزشیابی و شرح و نقد این آثار اعم از چاپی و خطی و راهنمایی اهل علم به آنها خدمت خطیری است که در این دایرة المعارف ادا می شود.

د. بعد از آنکه علی بن عثمان جلابی هجویری غزنوی (ف ۴۶۵ق) لاهور را وطن ساخت و خانقاه خود را در آن جا تأسیس نمود و کتاب کشف المحجوب را به فارسی کرد، عرفای فارسی زبان، از ماوراءالنهر و خراسان و عراق و فارس به هند روی آوردند و با زمینه مساعدی که موجود بود، به تأسیس مکاتب و خوانق در بلاد مختلف شبه قاره همت گماشتند. مشایخ چشتی و قادری و سهروردی و نقش بندی در هر گوشه پیروان فراوان جمع آوردند و شاهان و امیران و شاعران و بازرگانان دست ارادت به ایشان دادند. از آن پس تصوف ایرانی زمینه و زیربنای اسلام هندیان شد و آثار و اشعار در این مقوله به فارسی به وجود آمد که تحقیق در تصوف اسلام بدون بررسی آنها میسر نیست. در این دایرة المعارف تراجم احوال متصوفه بزرگ و اشعار و آثار آنان مورد بررسی و

نقد قرار خواهد گرفت.

ه. مذهب شیعه و فروع مختلف آن از قرن دوم هجری به هند راه یافت و تشیع جزء مقوم اسلام هندی به شمار آمد. مذهب شیعی اسماعیلی از راه خوزستان و بحرین و خلیج فارس و دریای عمان به سند و از آنجا به خراسان و ماوراءالنهر رفت و قبلاع بسیاری به وسیله آن جماعت ساخته شد. پیشعیان اثنا عشری هم در دکن و کشمیر و دامنه های هیمالیا تشکیل سلطنت دادند. در عهد شاهان گورکانی، هند میدان عمل و مدرسه علما و خانقاه صوفیان و بازار کار تجلی گاه ذوق و تجربه و هنر ایرانی شد. بعد از سقوط گورکانیان در دربار شاهان اود (لکنهو) و نواب رامپور و امارات هیمالیایی رونق و رسمیت داشت. امروز هم بیش از پنجاه میلیون شیعی مذهب، در استانهای اوتراپرادش و کشمیر و نواحی مختلف هند و بیش از بیست و پنج میلیون در کشمیر آزاد و گلگیت و اسکاردو و پاراچنار و سایر نواحی شمال غربی پاکستان و دره خیبر سکونت دارند. شیعیان شبه قاره رسوم و اعتقادات کلاسیک شیعه صفوی را حفظ کرده و در امام باره ها و حسینیه های خود سینه زنی و نوحه سرایی می کنند و مرثیه ها و نوحه های ایشان عموماً فارسی است. مرثیه سرایی بر شهدای کربلا به زبان فارسی از ارکان ادب هندی است و شاهکارهایی در این زمینه توسط شاعران فارسی و هندی به وجود آمده که نظیر آنها در ایران نیست. در دایرة المعارف زبان و فرهنگ فارسی در هند اطلاعات سودمندی در این باره جمع آوری خواهد شد.

و. شعب و شاخه های متنوع و عجیب و غریبی که از مذاهب اسلام بخصوص از مذهب شیعه در هند رواج داشته و دارد و زبان ادبی غالب آنان فارسی است، در خور تحقیق می باشد. همچنین احوال فرق اسماعیلیه و بهره و میمنها و خوجه ها و غلات و مذاهب ترکیبی از اسلام و هندوی که در فارسی کمتر به آنها توجه شده از لحاظ

جامعه‌شناسی و زبان‌شناسی و علم ملل و نحل و تاریخ بسیار مهم است. از فروع مذهب تشیع باید از شریعت صلح کل یا دین الهی اختراعی اکبر پادشاه گورکانی و نخست وزیر دانشمندش ابوالفضل علامی و برادرش ملک الشعرا فیضی فیاضی و پدر این دو برادر شیخ مبارک نام برد که هر چند امروز باقی نمانده اما در تاریخ ادبی ایران و روابط ایران و هند و اسلام و هندویسم اثرهای عمیق گذاشته است. همچنین از مذهب (بهاکتی) اختراعی کبیر و طریقت سیک اختراعی گروناتک که هر سه مذهب از عرفان حافظ متأثر است، در فارسی کمتر سخن رفته و از جمله مدخلهای جالب دایرةالمعارف فرهنگ و زبان ایران در هند خواهد بود.

ز. توضیح و تحلیل و ریشه‌یابی مکاتب فقهی و کلامی و فلسفی و عرفانی فرق اسلام در هند و شرح احوال فقها و حکما و متکلمین و ائمه مذاهب مختلف و روش تفسیر نویسی فارسی و کتابهایی که در این زمینه به فارسی یا زبانهای مخلوط با فارسی نوشته شده است، در این دایرةالمعارف بررسی می‌شود.

ح. مرکز پارسیان جهان - زرتشتیان - در هند بخصوص شهر بمبئی و سورت است. آثار آشکده‌ها از قبل اسلام هنوز در تاکسیلا - نزدیک اسلام‌آباد - و در سورت و بعضی نقاط دیگر هند، باقی است. شرح عقاید مذهبی این فرقه و تفاوت‌های عقیدتی که با زرتشتیان ایران دارند و شرح مراسم مختلف دینی و اجتماعی ایشان و موقع ممتازی که در تجارت هند دارند و رجال مشهور آنان که آثاری در روابط فرهنگی دو کشور باقی گذاشته‌اند، مباحثی است که تاکنون در فارسی نوشته نشده و باید در این دایرةالمعارف نوشته شود.

ط. تفصیل نهادها و اصطلاحات اداری و اجتماعی و دینی که در هند به تقلید از ایران به وجود آمده و نامهای فارسی آنها که هنوز متداول است، در این موسوعه

خواهد آمد.

ی. تفصیل اسامی آغانی و آلات طرب و اصطلاحات موسیقی و نام مغنیان بزرگ هندی که از دیرباز یا ایرانی تبار و یا مسلمانند، و نیز شرح قوالی و تأثیر موسیقی ایرانی و موسیقی هند و کتابهایی که در این زمینه به فارسی نوشته شده، از مباحث جالب این دایرةالمعارف است.

یا. تاریخ ادبیات و هنر و نظم و نثر فارسی در هند و شرح احوال نویسندگان و شعرا و سبکهای نظم و نثر که در فارسی هندی به وجود آمده است، همچنین شعرای ذواللسانین که به فارسی و اردو شعر گفته‌اند، مدخلهای عمده دایرةالمعارف فرهنگ و زبان فارسی در هند می‌باشد.

یب. امروز در هند و پاکستان و بنگلادش، اهمیاتی در حفظ آثار معماری اسلامی ایرانی به کار نمی‌برند، بخصوص هندیان می‌کوشند آنها را از سکه بیندازند و در کنار آنها بناهای دینی هندوی عظیم برپا سازند. در صورتی که مساجد و قلاع و مناره‌ها و قصور و بقاع متبرکه و تکایا و خانقاههای بیشمار با کتیبه‌های فارسی و ذکر نام سازنده و بانی و تاریخ بنا در شبه قاره بسیار است. یک مجله هندی انگلیسی زبان به نام (Epignaphia Indo - Moslemica) سالها ی متمادی است که مرتباً عکس و متن کتیبه‌های فارسی را با عکس اینه و گزارشهای سودمند منتشر می‌کند. تاج محل یکی از این بناهاست که چون جهانگردان بیشمار سراسر جهان را به آگسره برای دیدن آن جلب می‌کند، آن را به خوبی نگاهداری می‌کنند. این بنای منحصر به فرد اسلامی کار معمار مشهور شیرازی یا اصفهانی، استناد عیسی است که نامش بر پیشانی دروازه تاج محل ثبت است. اما در کتابهایی که راجع به محل نوشته می‌شود، می‌کوشند جنبه اسلامی و ایرانی آن را ضعیف جلوه دهند. شرح اینه اسلامی ایرانی شبه قاره از وظایف موسوعه مورد بحث

می باشد.

بیج. در هریک از شهرهای بزرگ هند و پاکستان و بنگلادش و جزایر و امارات تابعه آنها کتابخانه های بزرگ و موزه های عالی و مراکز اسناد باقی است که همه مشحون از آثار هنری و تاریخی و نفایس کتب فارسی است. به علاوه در دانشگاهها و منازل اعیان مسلمان و هندو نیز کتابهای فارسی خطی و تابلوها و مجسمه های مرزین به خطوط و نقوش فارسی فراوان است. خوشبختانه برای بسیاری از این کتابخانه ها و موزه ها فهرست تهیه شده و معرفی آنها در دایرةالمعارف فرهنگ و زبان فارسی در هند میسر است.

ید. مسلمانان هند عموماً و شیعیان خصوصاً اغلب آداب و سنن کهن ایران را حفظ کرده اند. شرح این آداب و جمع اصطلاحات مربوط به اثاثه و خوراکیها و البسه و اقمشه و غیره خدمتی است به تاریخ و فرهنگ ایران که در این دایرةالمعارف انجام می شود.

یه. در شبه قاره صدها گویش محلی است که محتوی واژه های اصیل فارسی است و بعضی هم به خط فارسی نوشته می شود، مانند پشتو و هندوکو و سندلی و پنجابی و اردو که در دایرةالمعارف فرهنگ و زبان فارسی در هند باید جمع آوری شود. اگر روزی مقامات فرهنگی ایران متوجه شوند که باید یک فرهنگ جامع فارسی نوشته شود یا فرهنگستان زبان و ادب فارسی با همکاری همه مناطق فارسی زبان تشکیل گردد، آن وقت است که اهمیت چنین دایرةالمعارفی بیشتر محسوس می گردد.

۱۱. نویسندگان

عوامل استقرار و نشر و بقای فرهنگ و زبان فارسی را در شبه قاره می توان در عناوین ذیل خلاصه کرد: ۱. سیاست و حکومت ۲. دین و تصوف ۳. هنر و موسیقی ۴. شعر و ادب ۵. عامل انسانی و سفر مغزها ۶. عامل اقتصادی و

بازرگانی و کشاورزی و کار ۷. صنعت و معماری. بنابر این دایرةالمعارف فرهنگ و زبان فارسی در هند شامل مقالاتی در اطراف عوامل هفتگانه مذکور خواهد بود و برای تدوین آنها از محققان و هند شناسان استفاده خواهد شد که هیأت مؤلفان را تشکیل می دهند. این هیأت از منابع و مآخذی که در اختیارشان قرار خواهد گرفت، مدخلهای مناسب را انتخاب و بر فیشهایی با ذکر مأخذ ثبت خواهند کرد. از روی همین فیشهاست که فهرست الفبایی مقالات دایرةالمعارف تهیه خواهد شد.

۱۲. مراجع

کتابها و مراجع لازم برای تألیف مقالات این دایرةالمعارف در کتابخانه ای مخصوص جمع آوری می شود و شامل کتب ذیل خواهد بود:

دایرةالمعارفها؛ مثل دایرةالمعارف اسلام (مخصوصاً به زبان اردو) و بریتانیکا و امریکانا و ایرانیکا. لغت نامه دهخدا و فرهنگ آصفیه ... و دایرةالمعارف هند (Encyclopedia of India) و سفینه ها و بیاضها و تذکره ها. مثل تذکره فارسی گویان پاکستان از سبط حسن رضوی و تذکره نویسی فارسی در هند از سید علی رضا نقوی، و شعر العجم شبلی نعمانی و تاریخ ادبیات فارسی از دکتر صفا و تاریخ ادبیات فارسی از ادوارد براون و فرهنگ نویسی در هند و پاکستان از شهریار نقوی و تذکره های سرو آزاد و کلمات الشعرا و خزانه عامره و مرآت الخیال و شمع انجمن و مآثر الامرا و مآثر رحیمی و بهارستان سخن و آتشکده آذر و تذکره نصرآبادی و مجمع الفصحاح و سفینه خوشگو و تذکره هفت اقلیم و تاریخ ادبیات اردو ...

کتب تاریخ؛ مثل آیین اکبری و ظفرنامه و اکبرنامه و طبقات سلاطین اسلام و عالم آرای عباسی و احسن التواریخ و بابرنامه و واقعات عالمگیری و سرزمین هند و

برعهده ویراستاران متخصص است ولی اظهار نظر نهایی و تشخیص ارزش مقالات و رعایت یکنواختی رسم الخط و آیین نگارش به عهده هیأت مؤلفان است و هیچ مقاله بدون تصویب و امضای ایشان به چاپ نخواهد رسید.

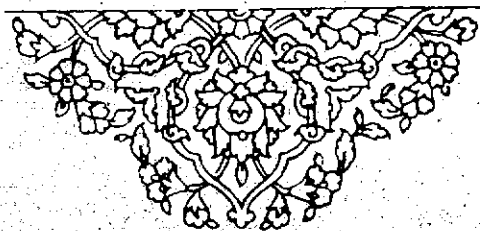
چون غالباً واژه های هندی و اسامی اماکن و قبایل و مذاهب و فرق تصوف و اصطلاحات عرفانی و ادبی هند برای فارسی زبانان نامأنوس است، بعد از هر کلمه هندی ضبط آن به لاتین نوشته خواهد شد. کلیه مسائل مربوط به رسم الخط و امور ویراستاری و چاپ و کاغذ و جلد و غیره تابع مصوبات بنیاد دایرةالمعارف اسلام خواهد بود.

۱۴. امور اداری

امور اداری و مالی و حق التألیف و استخدام کارشناس و سایر امور اداری و دفتری را بنیاد دایرةالمعارف اسلامی عهده دار می شود و دایرةالمعارف زبان و فرهنگ فارسی در هند در محل بنیاد مذکور استقرار می یابد.

۱۵. سردبیر

سردبیر دایرةالمعارف زبان و فرهنگ فارسی در هند به موجب حکیم مقام ریاست هیأت امنای بنیاد دایرةالمعارف اسلام منصوب می شود. او عهده دار کلیه امور علمی مربوط به دایرةالمعارف خواهد بود و مستقیماً از ریاست هیأت امنای کسب دستور خواهد کرد. دعوت از اعضای هیأت مؤلفان و سایر نویسندگان ایرانی و خارجی برای همکاری و صدور پاسخ سوالاتی که از این دایرةالمعارف می شود، به امضای سردبیر خواهد بود.



پادشاه نامه و سیرالمتاخرین و خلاصه التواریخ و همایون نامه و مائر عالمگیری و اقبال نامه جهانگیری و ترک بامبری و ترک جهانگیری و شاه جهان نامه و تاریخ فرشته و منتخب اللباب و تاریخ معصومی و حج نامه و طبقات اکبری و تاریخ الفی ... و تواریخ متعدد هند که به زبان انگلیسی نوشته شده است.

فرهنگها؛ مثل برهان قاطع و فرهنگ سروری و غیث اللغات ... همچنین دایرةالمعارفهای هند شناسی که توسط دولت هند جمع آوری شده یا تواریخ معتبر هند به زبان انگلیسی مثل الیوت و اسمیت و مجوبدار ... که صورت آنها در فهرست جداگانه ای جمع آوری شده است.

فهرست کتابهای فارسی: مانند فهرست کتب انجمن همایونی آسیایی بنگال و فهرست کتابخانه خدابخش پتته و فهرست کتابهای دیوان هند در لندن، و فهرست کتابخانه دانشگاه علیگره و کتابخانه دانشگاه پنجاب و کتابخانه عثمانیه حیدرآباد ... هیت نامه کتب خطی و میکروفیلم کتب خطی مربوط که در کتابخانه های بزرگ جهان محفوظ است و می توان از آنها نسخه برداری کرد و فیلم تهیه نمود.

رسالات دانشجویان، که در باره روابط فرهنگی ایران و هند نوشته شده و در کتابخانه های دانشگاههای ایران و سایر بلاد محفوظ و بعضی چاپ شده است این رسالات در کتابخانه دایرةالمعارف به تدریج گردآوری خواهد شد. به علاوه از صاحبان کتابخانه و کلکسیونرها و اهل علم و ادب دعوت می شود که هیأت تحریریه دایرةالمعارف را با اهدای کتاب و فیلم یا فتوکپی اسناد یاری نمایند.

۱۳. تحریر مقالات

هریک از اعضای هفتگانه هیأت مؤلفان مسؤولیت جمع آوری مقالات و تهیه فیش و دعوت از محققان و همکاران را بر عهده می گیرند. البته ویراستاری مقالات